

فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)  
سال بیست و پنجم، دوره جدید، شماره ۲۷، پیاپی ۱۱۷، پاییز ۱۳۹۴

## تأملی در چیستی عدالت‌خانه و روند تحول مفهومی آن

علیرضا ملایی توانی<sup>۱</sup>  
مسعود آتشگران<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۲۱

تاریخ تصویب: ۹۳/۱۰/۲۲

### چکیده

این پژوهش درصدد است مفهوم عدالت‌خانه را از آغاز مطرح شدن آن، قبل از جنبش عدالت‌خواهی، و نیز روند تحول و تطور آن را در بستر جامعه تا مرحله پیروزی جنبش بررسی کند؛ یعنی بدون داوری زود هنگام درباره اغراض معترضان و مخالفان سیاسی مبنی بر قضایی یا سیاسی بودن خواسته آن‌ها، ابتدا می‌کوشد به این سؤال پاسخ دهد که چه متغیرهایی با مفهوم عدالت‌خانه پیوند خورده بودند و این متغیرها در بستر جامعه و مناسبات قدرت به چه میزان و در چه محدوده‌ای بر تحول معنایی عدالت‌خانه تأثیر می‌گذاشتند. نگارندگان با استفاده از روش تحلیل گفتمان قصد دارند تلقی

---

۱. دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ mollaiynet@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ masoud.a47@gmail.com

جریان‌های اصلی معترض و مخالف را از عدالت‌خانه نشان دهند. طبیعی است این تلقی‌ها در چارچوب منظومه فکری آن‌ها معنا می‌دهد. در پی بست‌نشینی در زاویه عبدالعظیم خواست توده‌های مردم بنابر سنت رایج جامعه اصلاح قضایی بود؛ اما طباطبایی بر پایه گفتمان نواندیشی، خواهان «مجلس عدالت» بود. آزادی‌خواهان هم بر بنیان گفتمان ملیون «مبعوثان ملت» را سر می‌دادند و بخشی از آن‌ها هم در پی استقرار «قانون و مشروطه» بودند. این خواسته‌های متنوع در فرایند جنبش، عدالت‌خانه را دست‌خوش تحول مفهومی کرد و مابه‌ازای خارجی آن را در چارچوب خواسته‌ای واحد موسوم به «مجلس شورای ملی» متمرکز نمود.

## واژه‌های کلیدی: گفتمان سنتی، گفتمان ملیون، گفتمان

نواندیش، جنبش عدالت‌خانه، مجلس عدالت.

### ۱. مقدمه

پس از جنبش تنباکو عدالت‌خانه به آرمان اصلی مخالفان و معترضان سیاسی تبدیل شد و در مسیر پرفرازونشیب خود با مفاهیم متعددی گره خورد و ابهام معنایی پیدا کرد. برای فهم دریافت مخالفان حکومت از مفهوم عدالت‌خانه نایستی تنها به گزارش‌های موجود شامل مجموعه منظم و پی‌درپی لغات، بندها و گزاره‌ها بسنده نمود؛ بلکه باید به آن در زنجیره‌ای از مفاهیم و اعمال مرتبط به یکدیگر که از آن به ساختارهای گفتمانی یاد می‌شود، توجه کرد؛ زیرا گفتمان کاوان به‌جای واژگان و عوامل زبانی به عوامل برون‌زبانی به‌ویژه بافت‌های فرهنگی، اجتماعی و مناسبات قدرت توجه دارند و در پی فهم معانی در متن تحولات هستند؛ بنابراین درباره مفهوم عدالت‌خانه می‌پرسند: منظور مردم در اینجا چیست، یا چگونه این موضوع در چنین بافتی معنا می‌دهد، یا اینکه چرا چنین چیزی در اینجا گفته شده است و منظور چه بوده است؟

تحلیل گفتمان می‌کوشد بر چرایی و چگونگی استفاده از زبان تمرکز کند و با همین روش به اعمال مردم و مقاصد معینی که در به‌کارگیری زبان بدان توجه می‌شود، معنا دهد و معانی اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی آن را بشناسد و به روابط آن پی ببرد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۰). بر همین اساس مقاله حاضر می‌کوشد به این پرسش پاسخ گوید که چرا مردم معترض تهران در دوره ده‌ماهه جنبش عدالت‌خواهی، تحت تأثیر جو حاکم آن برهه، معنایی خاص از عدالت‌خانه را دریافت می‌کردند و با تطوّر دریافت‌های آنان، مطالباتشان نیز به اشکال مختلفی معنا می‌شد.

با این روش می‌توان به ریشه‌ها و علل طرح این درخواست‌ها توجه کرد و به دریافتی درست‌تر از معنای مورد نظر مردم از واقعیت عدالت‌خانه رسید؛ سپس تأثیر تغییر و تحول جامعه بر خواسته مردم را تا مراحل آخر جنبش دنبال کرد و تأثیر گام‌به‌گام این تحول را بر مفهوم عدالت‌خانه دریافت. این مهم با کاربرد دلالت‌های ضمنی در فهم متون که ناظر بر بعد کارکردشناسی مفاهیم است، به‌دست خواهد آمد. بدیهی است با استفاده از این فن به صورت زبانی متن بسنده نمی‌کنیم و برای کشف کارکرد واژه به مفاهیم ضمنی یا تلویحی موجود در متن بر بستر گفتمانی و بافت موقعیتی جامعه نیز تأکید می‌کنیم. افزون بر این، به هویت‌یابی مفاهیم جدید در زنجیره مفاهیم هم‌ارز اهمیت می‌دهیم.

## ۲. پیشینه تحقیق

مسئله عدالت‌خانه تاکنون از سوی برخی محققان مورد بررسی قرار گرفته است. فریدون آدمیت در کتاب *اندیشه ترقی و حکومت قانون* (۱۳۵۱: ۱۷۷-۱۷۸)، به بررسی «قانون وزارت عدلیه اعظم و عدالت‌خانه‌های ایران» پرداخته است. به اعتقاد او عدالت‌خانه از عثمانی گرفته شد و سپس‌سالار کاربرد این واژه را در حوزه قضایی و مکتوبات دولتی ایران متداول کرد و سبب شد در جامعه اطلاق عمومی یابد. اما با مرگ او عدالت‌خانه‌ها روبه‌افول نهادند؛ چنان‌که در سال ۱۳۱۶ق، دو سال پس از سلطنت مظفرالدین‌شاه، *حبل‌المتین* (س ۶ و ۵: ۲۶) با یادآوری قانون عدالت‌خانه‌ها از اجرا نشدن آن اظهار ناخرسندی کرد. و یک سال قبل از شروع جنبش عدالت‌خواهی، انجمن مخفی منتسب به

طباطبایی ظاهراً برای اولین بار تقاضای ایجاد «عدالت‌خانه» و «مجلس» را از دولت مطرح ساخت (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۵۷: ۲۵۹). در سوم ربیع‌الاول ۱۳۲۳ق در جلسه یازدهم انجمن یادشده لایحه‌ای در دوازده فصل تصویب شد که در انتهای این لایحه قید شده بود: «وقتی که مجلسی برای وضع قانون منعقد شد، فقط دوازده فصل، مطرح و مذاکره آید، کافی است» (همان، ۳۰۲). طراحان لایحه، اولین درخواست خود را «قانون عدل» و ایجاد «عدالت‌خانه» درج کرده بودند. بنابراین، پس از مراجعت شاه از فرنگ یکی از اعضای انجمن یادشده که در دربار مرتبتی عالی داشت، پاکتی حاوی لایحه مزبور را در هفتم شعبان ۱۳۲۳ق به شاه رساند، شاه پس از مطالعه آن به وزیر عدلیه خطاب کرد: «دیوان‌خانه عدلیه و قانون عدلیه مثل عدالت‌خانه‌های خارجه» ایجاد گردد (همان، ۳۰۸)؛ این در حالی بود که تا آغاز جنبش عدالت‌خانه اول هفت ماه فاصله بود. از این رو بیشتر گزارشگران این دوره انگیزه مردم شورش در جنبش عدالت‌خواهی را ایجاد عدلیه صحیح دانسته‌اند. تاریخ پژوهان امروزی، مانند غلام‌حسین زرگری‌نژاد (۱۳۸۷: ۲۱) و عباس امانت (۱۳۸۲: ۴۳-۴۴)، نیز بر این معنا از عدالت‌خانه تأکید کرده‌اند.

از دید علیرضا ملایی‌توانی (۱۳۹۱: ۱۱۳-۱۳۰)، عدالت‌خانه در ابتدای جنبش هیچ نهادی مشابه و معادل خارجی نداشت؛ بلکه آرمان قضایی کلی و مبهمی بود که مباحث فراوانی برانگیخت و در مسیر جنبش با تعابیر گوناگون همراه شد و این تعبیر از مفهوم حداقلی اصلاح قضایی تا مجلس مشورتی نوسان داشت و همین امر راه را برای افزایش مطالبات هموار ساخت. آدمیت (۱۳۵۵: ۱۴۳-۱۷۵) ماهیت عدالت‌خانه را براساس مطالبه یا موضع سیاسی طبقات و گروه‌های مختلف شهری به گونه‌های مختلف تفسیرپذیر دانسته است؛ زیرا هر بخش از دریچه فهم خود خواسته‌اش را مطرح می‌کرد. به باور او چیستی عدالت‌خانه را باید در تعامل دو جریان فکری عامه جامعه با تقاضای قضایی و تحول‌گرایی سیاسی تعریف کرد. از نظر احمد اشرف (۱۳۹۰: ۳۳۷-۳۴۶) شورش اولیه مردم کاملاً جنبه سنتی داشت که از گذشته معمول بود؛ اما عدالت‌خانه در جریان مهاجرت صغری با وساطت سفیر عثمانی جزء خواسته معترضان قرار گرفت. با استمرار جنبش، جریان مشروطه‌خواهی با دیدگاه انقلابی خود وارد معرکه شورشیان شد و خواسته عدالت‌خانه را

به مطالبه مشروطه تغییر داد. حجت فلاح (۱۳۸۸: ۱۰۷-۱۲۰) با طرح ادله بحران شدید سیاسی در تهران، اذعان طباطبایی به پیگیری مشروطه از گذشته و بازتاب گسترده در خارج از کشور مبنی بر اینکه عدالت‌خانه همان مجلس قانون‌گذاری است، حرکت مردم شورش‌ی علیه اقدام خودسرانه حاکم تهران را از ابتدا انقلابی سیاسی با هدف تحقق مشروطه می‌داند. با عنایت به اختلاف نظری که درباره مفهوم عدالت‌خانه وجود دارد، این مقاله می‌کوشد با کاربست تحلیل گفتمانی مفهوم عدالت‌خانه را در بستر تحولات و زمینه تاریخی جنبش عدالت‌خانه معنا کند و روند تحول معنایی آن را در متن جامعه و مناسبات قدرت نشان دهد. به نظر می‌رسد با این روش بتوان معنای عدالت‌خانه را بهتر فهم کرد.

### ۳. طرح دیدگاه‌های جدید در گفتمان ملیون

نظام اجتماعی جامعه ایران پیش از رویارویی با مدرنیته بر بنیاد انگاره‌های کهن استوار بود. در این الگوی نظری فقط پادشاه عدل گستر می‌توانست مظاهر ظلم در جامعه را نبود کند. ساختار اجتماعی جامعه شهرنشین ایران و نظم ترتیب‌یافته آن تحت تأثیر آراء اندرزنانه‌ی کهن، پنداری خاص از پادشاه داشت و او را سایه خدا بر زمین می‌انگاشت. رعایا در صورت ظلم و تعدی زورگویان، در چارچوب نظام جهان‌خیمه‌ای حق داشتند از شاه تقاضای اقامه عدل کنند. بر این اساس مفاهیم عدل شاهی و شاه‌پرستی مردم به منزله نشانه‌های اصلی و درهم‌تنیده‌ای از میراث گذشته، گفتمان سنت را شکل می‌داد؛ اما برخورد با غرب، تضعیف حکومت و ناتوانی آن در انجام تعهداتش در قبال مردم، مقروض شدن کشور، و تشدید ظلم حکام بر توده‌ها در کنار اشاعه اندیشه‌های جدید که ملهم از غرب بود، گفتمان جدیدی به وجود آورد. در نوشتار حاضر این جریان را «گفتمان ملیون» می‌نامیم که با سنت رایج جامعه در تعارض بود. اهداف اصلاحی این گفتمان در اواخر قرن سیزدهم هجری تحت تأثیر اصلاحات عثمانی و آراء ملکم‌خان دنبال شد و با صدارت میرزا حسین خان سپهسالار به‌رغم هژمونی گفتمان سنتی حاکم مورد حمایت قرار گرفت. در گزارش‌های عصر سپهسالار با مفاهیمی مانند «ناسیونالیسم، مشروطیت، حکومت قانون و حقوق اجتماعی» مواجهیم (آدمیت، ۱۳۵۱: ۱۲۹-۱۳۰). وی روزنامه‌های مستقلی راه‌اندازی

کرد که محتوای آن برگرفته از تحول مفاهیم موجود و کاربرد مفاهیم سیاسی و ایده‌های تازه (همان، ۳۸۷)، مانند «مشروطه، ملت‌خواهی، حریت شخصی، آزادی افکار و تشکیل وضع جدید» بود (همان، ۱۲۹-۱۳۰).

ملیون در ادامه تلاش برای دستیابی به اهداف خود، به سازگار کردن واژه «ملت و ملی» با ساختار نظام معنایی خود پرداختند و درحالی که در گفتمان سنت، این واژگان «دین و شریعت و نیز پیروان دین و آیین» معنا می‌شدند (آجودانی، ۱۳۸۷: ۱۶۵-۲۰۷)، آن‌ها را در مفهوم جدید «توده‌های مردم» که در برابر حکومت دارای آثار حقوقی باشد، استفاده کردند. گفتمان ملیون سعی کرد مردم را با مفاهیم مساوات و حریت آشنا کند که در تعارض با مفاهیم سنتی قرار داشت؛ زیرا از نگاه سنت رایج دو مؤلفه یادشده برهم‌زننده رکن قویم قانون‌الهی محسوب می‌شد؛ چراکه بنای احکام به اختلاف بود نه به مساوات، و قوام اسلام نه به آزادی که به عبودیت بسته بود (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۸۶). بر این پایه، سنت‌گرایان مردم را به عبودیت در مقابل پادشاه اسلام دعوت می‌کردند نه به آزادی؛ باوجود این ناظم‌الاسلام کرمانی (۱۳۵۷: ۲۴۸) تحت تأثیر روح زمانه و گفتمان نواندیشان در جلسه انجمن مخفی، هم‌فکرانش را به رهایی اهالی مملکت از قید عبودیت و اسارت حکام مستبد فرا می‌خواند تا مردم به درک ملیت خویش نائل شوند. همچنین، واژگان جدید اشاعه یافته «ترقی وطن» (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۳۸۲) و «غیرت ملی» (حبل‌المتین، س ۷، ش ۱: ۶)، حامل اندیشه ملت‌محوری برای پرننگ شدن نقش آن‌ها و دخالت در سرنوشت کشور بود؛ درحالی که براساس اندیشه حاکم، ایالات، ممالک شاه و ملک طلق او تلقی می‌شد. تغییر کاربرد واژه «ملت» به جای «رعیت» همراه با دگرگونی این مفهوم، رویکرد ملیون را تقویت می‌کرد (آجودانی، ۱۳۸۷: ۱۶۵-۲۰۷) که بر بنیان رسالت انسانیت استوار شده بود. این امر از منظر تحلیل گفتمانی حاصل تغییر نظام معرفتی جامعه در ربط با شرایط جدید زیست‌جهان خود بود و نحوه مواجهه متن با واقعیات اجتماعی را شکل می‌داد و برساختن روایت‌های تازه از واقعیت، هویت و روابط اجتماعی تأکید می‌کرد (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۴۴) که با عنایت به عرضه مفاهیم جدید به جامعه و کنار زدن مفاهیم

پیشین میسر می‌شد و تغییر فرایند اجتماعی در جامعه را با تغییر خواسته معترضان از عدالت‌خانه به مشروطه با تحول و بسط حوزه معنایی گام به گام پیش می‌برد.

#### ۴. متن تحولات مرتبط با عدالت‌خانه

در پی دگرگونی تدریجی فضای اندیشه حاکم و بی‌توجهی حکومت به وضعیت بحرانی جامعه، بالاخره در دهه دوم قرن چهاردهم هجری کشور آستان تحولات مهمی شد. اتحاد علمای مخالف و تشکیل انجمن مخفی، فرهنگ مخالف را به‌طور غیررسمی گسترش داد؛ به گونه‌ای که ائتلافی از طبقه علما و تجار با جریان ملیون در مسیر برکناری عین‌الدوله در حال شکل‌گیری بود. به دنبال تشدید اختلاف تجار با مسیو نوز بر سر نظام گمرکی و مالی بود که این تحركات شروع شد (دولت‌آبادی: ۱۳۲۸: ۲/۳-۱۰) و عین‌الدوله که از پیش با سران چهارگانه روحانی به‌ویژه بهبهانی در تضاد بود، با پشتیبانی از نوز دشمنی با این جریان را در نقطه بازگشت ناپذیر قرار داد. این رویداد تجار و مجتهدان را در تقابل با دولت همسو کرد. اعضای انجمن مخفی یادشده با فرصت‌طلبی از وضع پیش آمده و در پی اتحاد طباطبایی و بهبهانی، جهت مبارزه با دولت را از سطح منافع گروهی در مسیر منافع ملی تغییر دادند. (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۵۷: ۲۶۹)

جریان روشنفکری هم با آگاهی از سنت جاری و ادبیات حاکم، برای حفظ خود و دور ماندن از مظان اتهام بی‌دینی و بابی‌گری اقدامات خود را در دو سطح دنبال کرد: نخست در مجامع خصوصی خویش ضرورت تدوین و اجرای قانون در ایران و توسعه علم و دانش روز را سرلوحه کار خود قرار داد (همان، ۲۵۵)؛ سپس در فضای عمومی جامعه، آرمان خود را در قالب زبانی سازگار با پندارهای جامعه دینی، تحت عنوان حفظ بیضه اسلام، مطرح کرد که در شرایط آشفته کشور در معرض مداخله اجنبی قرار داشت. آن‌ها دفاع از وطن را وظیفه می‌دانستند و بر مبنای تکلیف شرعی معنا می‌کردند که از طریق امر به معروف و نهی از منکر ممکن می‌شد (همان، ۲۵۳) و هم‌زمان قیام امام حسین را برای تحقق حریت و آزادی معنا می‌کردند (همان، ۲۸۴-۲۸۶). گزارش‌های تاریخی به‌رغم اذعان بر ناآگاهی «عامه و مردمان بازاری» از قانون و مشروطه، از تکانه‌هایی که از زمان سلطنت

مظفرالدین شاه در برخی طبقات جامعه شهری وجود داشت، حکایت دارد و از مطلعان تلاشگر و علمای نواندیشی سخن می‌گوید که با نحوه زیست جوامع پیشرو آشنایی داشتند (کسروی، ۱۳۱۲: ۴۹-۵۰). ایجاد کانون سرّی «کمیته انقلاب» در ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۲ق و «کانون جوانان» برای ایجاد قانون و برقراری عدالت (ملک‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۳۶-۲۵۶) و انجمن مخفی هم‌فکران طباطبایی برای انسجام برنامه‌ها، در همین راستا قابل‌ارزیابی است. انجمن مخفی هم‌زمان که برای اصلاح امور آشفته قضایی خواهان ایجاد عدالت‌خانه بود، از تشکیل مجلسی سخن می‌راند که به تمام امور مهم مملکتی، از جمله اصلاح کشاورزی، صنایع، اخذ مالیات، گمرک و...، رسیدگی کند (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۵۷: ۲۴۹-۲۵۲) و به محدود کردن حدود وزرا و وزارت‌خانه‌ها اقدام نماید (همان، ۳۰۲). بنابراین، مطالبه انجمن یادشده، اصلاحی فراگیر به‌ویژه در امور اجرایی-اداری دستگاه دیوانی بود.

مخاطرات ناشی از فضای ارزشی گفتمان حاکم بر جامعه که برای دخالت مردم در امور کشور حقی قائل نبود و جامعه نیز نسبت به آن اهمیتی نشان نمی‌داد، نواندیشان را واداشت واژه «مجلس» مورد نظر خود را در کنار عدالت‌خانه قضایی مطرح کنند که آن دو را به هم مرتبط می‌کرد و بر ابهام واژه مزبور می‌افزود؛ هرچند در ادبیات دو سه دهه پیش تا این دوره، استفاده از واژه مجلس برای دایره محاکمات قضایی در محافل رسمی امری متداول بود (آدمیت، ۱۳۵۱: ۱۷۷-۱۷۸)؛ حتی استعمال «مجلس دارالشوری» در محفل‌های درباری تا اواسط سلطنت مظفرالدین شاه امری مرسوم بود (ادیب، ۱۳۶۱: ۳۸۶). با آغاز جنبش عدالت‌خواهی و پیوند «مجلس عدالت» طباطبایی با مفهوم عدالت‌خانه، کاربرد این واژه با ابهام بیشتری همراه شد؛ زیرا ایده طباطبایی مشعر بر مجلسی با حضور نمایندگان طبقات مختلف ملت بود (سپهر، ۱۳۶۸: ۳۰۴). بسط گستره معنایی عدالت‌خانه که ابتدا از جانب مردم با شفافیت همراه بود و تنها «عدلیه صحیح» معنا می‌شد، آن را وارد حوزه جدال میان اصحاب جنبش با دولت عین‌الدوله کرد که عرصه‌ای سیاسی بود و فضایی آکنده از اقدامات فریب‌کارانه از جانب طرفین به‌دنبال داشت. این بسط معنایی به نوبه خود مفهوم عدالت‌خانه را از شفافیت لازم تهی می‌کرد و از همین‌رو در بستر این جنبش هر جریان‌ی معنای مورد نظر خود را برجسته می‌ساخت.



## ۵. مفهوم عدالت‌خانه از نگاه طباطبایی

در شب واقعه‌ی چوب خوردن تجار قند که تعداد زیادی از علما در خانه‌ی طباطبایی جمع شده بودند، او مطلب مهمی را در لفافه‌ی چنین بیان کرد: «حال که کار به اینجا رسید، کار را یک‌سره و تمام کنید. آن خیالی را که سه ماه دیگر عازم انجامش بودیم، جلو می‌اندازیم» (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۵۷: ۳۳۹). آیا ممکن است چنین اعلامی از سوی طباطبایی فقط در جهت تأسیسی قضایی باشد؟! اینکه منظور طباطبایی از مطلب بالا چه بود و چه دریافتی از عدالت‌خانه داشت، نکته‌ای است مرتبط با گفتمان نواندیشی که حاصل آن فقط «مجلس عدالت» می‌توانست باشد؛ نهادی که وی آگاهانه آن را از زمان شعله‌ور شدن جنبش عدالت‌خانه دنبال کرد و هیچ‌گاه آن را نهادی قضایی معرفی نکرد. او با وجود تعلق به گفتمان سنتی، شناختی متمایز از مجتهدان دیگر درباره‌ی مسائل روز ایران داشت. او روابط بین مردم و حکام را ظالمانه می‌پنداشت و آن را قرائتی غیرواقعی و غیرانسانی می‌دانست که دوره‌ی آن گذشته بود. با این حال طباطبایی در بیان خواسته‌ی معترضان از واژه‌ی مشروطه پرهیز می‌کرد و بین ملیون و سنت‌گرایان راه میانه‌ای را برگزیده بود. اگرچه نفس ایده‌ی او در این دوره تازگی داشت، با وجود این مجلس مورد نظر وی برای دولت در ابتدا حساسیت زیادی ایجاد نکرد؛ درحالی که مفهوم ضمنی گفتار او و مفهوم «مجلس عدالت» ادعایی او (سپهر، ۱۳۶۸: ۲۸۷؛ مغیث‌السلطنه، ۱۳۶۲: ۸۹؛ تفرشی، ۱۳۵۱: ۲۷) بدین معنا بود که وی دیگر حاضر نیست در موقعیت سوژگی و سیطره‌ی گفتمانی حاکم بماند و قواعد آن را همچنان بپذیرد. دلالت ضمنی «عدالت‌خانه‌ی ملی» (محیط‌مافی، ۱۳۶۳: ۸۹) از سوی طباطبایی افزون بر اینکه به‌طور غیرمستقیم ایده‌ی «عدالت‌خانه‌ی دولتی» مرکب از اجزای دیوانی مورد نظر عین‌الدوله را رد می‌کرد، به‌صراحت حضور افرادی منتخب از طبقات گوناگون مردم در این نهاد را تأیید می‌کرد و فقط به تصمیمات ملتی اصالت می‌داد. بنابراین سه معنا از عدالت‌خانه وجود داشت: مفهوم حداقلی دولت که آن را به اصلاح نظام قضایی محدود می‌کرد؛ گفتمان ملیون آزادی‌خواه که آن را به مثابه‌ی تحول دموکراتیک در ساختار حکومت معنا می‌کرد؛ و طباطبایی که آن را چیزی بین این دو قرار می‌داد که هنوز معنای روشنی نداشت.

## ۶. مجلس عدالت طباطبایی در نظر و عمل

چنین می‌نماید که طباطبایی در عالم نظر، ایده مجلس خود را بر مبنای آیه «و امرهم شوری بینهم» (شوری: ۳۸) دریافت کرده باشد که بیشتر نظریه‌ای اخلاقی و آرمانی بود تا برنامه‌ای معین و اجراپذیر برای مشارکت نمایندگان واقعی مردم در اداره جامعه. در واقع ایده طباطبایی با اندیشه حاکم در تقابل قرار داشت و از سویی در سنت جاری جامعه که محوریت با فرمان‌روا بود، چنین سازوکاری وجود نداشت. با وجود این، وی متأثر از روح زمانه برای محدود کردن اقدامات استبدادی در پی عملی کردن چنین نهادی برآمد؛ در حالی که به نظر می‌آید اشرافی بر مبنای حقوقی-سیاسی «مجلس عدالت» و سازوکار عملیاتی کردن آن نداشت. در عوض وجود «مجلس نمایندگان» در نظام سیاسی جوامع پیشرفته راهبردی محسوب می‌شد که سازوکار اجرایی آن مرهون اندیشه جدید، یعنی مدرنیته غربی بود که بر اساس آن نمایندگان مردم در اداره امور دخالت می‌کردند. این الگو، سخت، نظر طباطبایی را به خود جلب کرده بود؛ اما او هنوز از روند قانونی شکل‌دهی این نهاد آگاهی لازم را نداشت و به همین دلیل مجلس مورد نظرش از لحاظ جایگاه حقوقی، نظام‌نامه و مواد قانون اساسی نامشخص بود؛ امری که نشان از دوره گذار از سنت سیاسی پیشین به فضای سیاسی مدرن داشت. بر اساس نظریه توالی در تحقق یک گفتمان، تولید و فهم نوشتاری و گفتاری عمدتاً به صورت خطی و در زنجیره‌ای متصل از متن‌ها و مفاهیم قبلی قرار دارد و نشانگر آن است که همه سطوح متن و کردار گفتمانی، شامل جمله‌ها، گزاره‌ها و کنش‌ها با توجه به واحدهای قبلی توصیف یا تعبیر می‌شوند (واندایک، ۱۳۸۹: ۶۸) و این به معنی قرار گرفتن در نوعی «بینامتنیت» یا مرتبط شدن با مفاهیم و نمادهای موجود در متن‌های قبل از خود است (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۴۳). حال هرچه تأثیرپذیری بین گفتمانی دارای سطح بالاتری باشد، با تغییر در پیوند خواهد بود و موردی که دارای سطوح بالاتری از تفاوت باشد، نشانگر تغییر اجتماعی گسترده‌تری خواهد بود (همان‌جا). بر اساس ارتباط متون چنین می‌نماید که طباطبایی مجلس مورد نظرش را در عرصه عمل بر اساس دریافتی از موارد ذیل گرفته باشد:

۱. مجلس مبعوثان مندرج در روزنامه‌های منتشرشده ایرانی در خارج از کشور (اختر، س ۳، ش ۱۶: ۴۹۴)؛
۲. تأسیس مجلس و کلای تجار در سال ۱۳۰۰ق برای حفظ منافع طبقه بازرگان؛
۳. «مجلس شورا» از روزنامه قانون ملکم خان که در آن «مجتهدین بزرگ و فضیلائی نامی را در پایتخت یک مجلس شورای ملی جمع نمایند».

همچنین در دوره سلطنت مظفرالدین شاه صاحب منصبان مصلحی مانند امین الدوله، صدراعظم، و ناظم الدوله، والی شیراز، که دارای اندیشه متری بودند، مجالس ذیل را برای مشارکت مردم و دولت به منظور سامان امور کشور ترتیب دادند که بر اندیشه نخبگان جامعه در این دوره تأثیر می گذاشت:

۱. «مجلس مخصوص دولتی» امین الدوله به سال ۱۳۱۵ق که اعضای آن در بیان مصالح مصونیت داشت و همه از خارج مجلس می توانستند عقاید خود را در تدابیر اصلاحی به آن مرجع بنویسند (آدمیت، ۱۳۵۵: ۱۰۷-۱۰۸) و ملک المورخین آن را «مجلس آزادی» می نامد (سپهر، ۱۳۶۸: ۲۰۹)؛
۲. «مجلس استنطاق که عدالت خانه فارس است» متشکل از رجال دولت، تجار و علما که به مشکلات مردم رسیدگی می کرد، و تشکیل مجالسی در تبریز با حضور علما، تجار و اهل دیوان برای مشورت و اقدام (حبل المتین، ش ۱۳: ۶۹).
۳. تشکیل مجلس نرخ اجناس با ترکیبی از افراد دولتی و غیردولتی (ادیب، ۱۳۶۱: ۲۸۹؛ حبل المتین، ش ۱۳: ۱۷۶).

محتوای اصلی گزارش ملک المورخین از مباحث دو هفته اول تحصن در عبدالعظیم به اظهارات طباطبایی خلاصه می شود که بر پایه آن وی با نفی برقراری مشروطه در شرایط فعلی، مجلسی را خواستار شده بود که تعدادی عالم، وزیر و تجاری غرض در آن عضویت داشته باشند و اقدامات دولت را پیش از اجرا ملاحظه کنند (سپهر، ۱۳۶۸: ۲۸۷-۳۰۴).

همچنین، پیش از آن که دولت به کسی شغلی بدهد، بایستی آن را از تصویب این مجلس بگذرانند (همان، ۳۰۴). بنابراین، مجلس پیشنهادی طباطبایی به‌طور بالقوه امکان قانون‌گذاری نیز داشت که البته می‌بایست خواسته‌های دولت ابتدا در آن به تصویب نمایندگان می‌رسید. این مهم می‌توانست قدرت بی‌مهار دولت و دربار را از این به بعد مقید به تصمیمات و مصوبات «مجلس عدالت» کند و تهدیدی جدی برای بقای سلطنت مطلقه در ایران باشد.

طباطبایی هم‌زمان با این پیشنهاد، تقاضایی قضایی هم مطرح می‌کند که سازوکاری است مرتبط با دیوان مظالم شاه که براساس آن برای جمع‌آوری عرایض متظلمان، فردی بی‌غرض که شاه آن را معین کند، جایگزین آن شود (همان، ۲۸۷) که دیگر دربار و دولت در فاصله بین متظلمان و شاه، مانع‌تراشی نکنند.

## ۷. گفتمان ملیون در جنبش اول عدالت‌خانه

با ادامه بست‌نشینی متحصنان و تجمع انبوه مردم در عبدالعظیم مکانی نسبتاً مناسب برای حضور ملیون مخالف دولت فراهم آمد تا با بهره‌گیری از فضای شکل‌گرفته، مبارزات مخفی خود را علنی کنند و گفتمان خود را به سطح عامه مردم تعمیم دهند و تغییرات مورد نظر خود را در ایران محقق سازند. از این‌رو آنان در ائتلاف با علمای جنبش اعتراضی کوشیدند و جوه تفاوت میان خرده‌گفتمان‌های مخالف را پنهان سازند و آن را مانند گفتمانی یک‌دست با فرهنگ سیاسی مخالف، منسجم نشان دهند. این امر به تقویت گفتمان مخالفان انجامید و با آشنا و رودررو کردن مردم کوچه و بازار با ایشان که تا پیش از این در انجمن‌های سری فعال بودند، به اشاعه آراء آنها در عرصه اجتماع کمک شایانی کرد. بر این اساس درحالی که معترضان اولیه جنبش، «عدلیه صحیح» را از درون گفتمان حاکم خواستار بودند، تحت تأثیر مفاهیم و نمادهای تازه گفتمان ملیون، مابه‌ازای جدیدی را در جامعه، در عبدالعظیم مشعر بر «مبعوثان ملت» طنین‌انداز کردند (ملک‌زاده، ۱۳۸۳: ۳۰۰) که از سنخ دیگری بود و آگاهانه در پی ایجاد مجلس مشورتی برمی‌آمد. البته، این بدان معنا نبود که آنها حتماً مجلس خود را برپایه مشروطه اروپایی تأسیس می‌کردند؛

بلکه ممکن بود آن را در حد الگوی عثمانی که براساس آن مجلس نمی‌توانست اختیارات شاه را محدود کند، در نظر می‌گرفتند (حضرتی، ۱۳۸۷: ۱۴۷-۱۵۲) این تفاوت در دیدگاه حاکی از وجود سلايق مخالفان دولت بود؛ گرچه صحبت از مشروطه نیز در میان بود؛ تاجایی که به گوش شاه هم رسید (سپهر، ۱۳۶۸: ۳۰۴).

واقعه دست بردن دولت آبادی به عریضه متحصنان عبدالعظیم و تغییر بند هفتم آن به شبه‌جمله «قراردادی در اصلاح کلیه امور با رعایت حقوق علما» با مشورت سران جنبش و تفسیر آن (دولت آبادی، ۱۳۲۸: ۲۳-۲۴) را می‌توان با مواضع مجامع سری قبل از شروع جنبش مقایسه کرد که درباره «عدالت‌خانه و مجلس» ارائه می‌شد. تنها تفاوت در این بود که اقدام آشکار در عبدالعظیم با توجه به پشتوانه حضور مردم و زعمای قوم در جوئی مناسب حال مخالفان دولت صورت می‌گرفت که برخی به آن اشاره می‌کنند (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۵۷: ۳۶۴). این امر نشان می‌دهد که خواسته‌های مبهم گذشته احتمالاً به مصلحت فضای حاکم بر جامعه بوده است؛ اما در فضای گفتمانی جدید حاصل از بست نشینی بین علما و ملیون امکان طرح بحث آن پیش آمد و دو نهاد یادشده از هم تفکیک شد و سرآغاز تفاوت دیدگاه در میان گروه‌های متعدد متحصنان گردید؛ زیرا این اولین بار بود که آن‌ها در یک فضای عمومی و نسبتاً آزاد مطالب خود را به اشتراک می‌گذاشتند. بست نشینان زاویه عبدالعظیم از دو گروه معترضان و مخالفان دولت تشکیل می‌شدند که با هم و در درون خود اختلاف نظرهایی‌هایی داشتند و هنوز به دریافتی واحد و منسجم از مفهوم عدالت‌خانه نرسیده بودند. با این حال شاه برای خواباندن غایله و پاسخ دادن به خواسته عدل‌خواهی انبوه مردم و علمای معترض با اعطای «عدلیه صحیح» موافقت کرد (ملک‌زاده، ۱۳۸۳: ۳۰۳).

برای داوری درباره ایهامی که در دستخط شاه وجود داشت باید گفت و گوهایی غیررسمی بین حکومت با سران جنبش در عبدالعظیم را در این موضوع دخیل دانست که از طیف‌های گوناگونی بودند. دولت آبادی (۱۳۲۸: ۳۷/۲) از این چانه‌زنی‌ها پرده برمی‌دارد. از نظر او دولت در صدد بود از طریق علما عدالت‌خانه دولتی را در پیوند با وزارت عدلیه و قانون عدالت قرار دهد. او در ادامه از خیالات اصلاح‌خواهان مبنی بر تأسیس مجلس،

نوشتن قانون و ترتیب وزارت‌خانه‌ها یاد می‌کند که با ایجاد قانون اساسی به انجام می‌رسید؛ ولی شاه و ولیعهد راضی به این خیالات نمی‌شدند (همان، ۴۲). بنابراین چنین می‌نماید که برخی سران جنبش در عین حفظ مصلحتی خواسته‌شان در نماد عدالت‌خانه، قصد داشتند در فضای رسمی و کلامی معنای آن را تا حد مجلس عدلیه (انجمن تبریز، س ۱، ش ۱: ۱۰۰) گسترش دهند؛ اصطلاحی که در معنای «مجلس شورای ملی» تا مدت‌ها پس از افتتاح مجلس در محاورات و مکتوبات به کار می‌رفت.<sup>۱</sup>

### ۸. تغییر در حوزه مفهومی عدالت‌خانه با تغییر گام به گام

پس از ختم بست‌نشینی معترضان و مخالفان دولت، جامعه موقتاً در آرامش نسبی قرار گرفت. عین‌الدوله که مسئول اجرایی شدن دست‌خط مظفرالدین‌شاه بود، با تاکتیک تأخیر و تعلل در اجرای آن با اعتراض از سوی شاه مواجه شد (دولت‌آبادی، ۱۳۲۸: ۲/۴۰). وی با این اقدام خود به جای مصالحه با نیروهای معترض به کشمکش با آنها پرداخت؛ درحالی که می‌توانست با سیاست انعطافی و تسریع در ایجاد عدالت‌خانه دولتی برخی از معترضان را که هویتی مرتبط و همسو با گفتمان حاکم داشتند، راضی کند و برخی دیگر را نیز با سیاست تهدید و تطمیع (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۵۷: ۴۵۴) به حاشیه فرستد و در صف معترضان و مخالفان دولت رخنه ایجاد کند؛ اما با اقدامات خصمانه خود اتحاد این دو گروه را افزایش داد و در مسیر سقوط خود قدم گذاشت. براساس نظریه تحلیل گفتمان، از آنجایی که این هویت‌یابی جدید به وجود «غیر» وابسته است و در سایه تعارض با گفتمان‌های دیگر ممکن می‌شود (کسرایی، ۱۳۸۸: ۳۳۹-۳۶۰)، عین‌الدوله بدین شیوه قادر می‌شد به برجسته‌سازی مجدد مفاهیم و نمادهای عدل‌شاهی موجود در گفتمان تضعیف‌شده حاکم کمک کند و مفاهیم و نمادهای مخالفان را در حاشیه قرار دهد و با فروپاشی روبه‌رو کند؛ اما وی با در پیش گرفتن سیاست تخاصم و فریب علیه معترضان نه تنها آنها را تضعیف نکرد، بلکه ائتلاف معترضان را با ملیون که در صف مخالفان دولت بودند، رقم زد و مجموعه آنها را به مثابه «غیرها» در برابر دولت قرار داد که حال در چنبره گفتمانی واحد

۱. برای مشاهده این مسئله به مجلدات روزنامه مجلس مراجعه کنید.

قرار گرفته بودند. عناصر ملی از یک سو علمای جنبش را به اقدامات مؤثرتر فرامی خواند (دولت آبادی، ۱۳۲۸: ۲/۳۵) و از سوی دیگر با بهره گیری از رسانه آن‌ها، یعنی مساجد و اماکن عمومی، به فراگیر کردن مفاهیم جدید در قالب شب‌نامه‌ها و مواعظ علما مبادرت می کرد و اندیشه خود را بر افکار عمومی جامعه چیره می نمود؛ به طوری که آشکارا تأسیس «دارالشوری» را جایگزین تقاضای عدالت‌خانه کردند (کسروی، ۱۳۱۲: ۱۱۲). بدین ترتیب مفهوم عدالت‌خانه که در هیئت «دیوان‌خانه عدلیه» شناخته می شد، در جدال هفت‌ماهه و در پی رخدادهای متعدد به تدریج به حاشیه رفت و نهادی جدید بر اساس خواسته‌ها و انتظارات تازه جای آن را گرفت.

از سوی دیگر، با چرخش موضع طباطبایی، به عنوان زعیم مورد اعتماد عامه، سازگاری راهبرد مخالفان دولت با سنت جاری جامعه شهری مورد تأیید قرار گرفت که حاصل درهم کنشی دو گفتمان نواندیش با ملیون بود؛ زیرا طباطبایی در مسیر تلاش‌هایش متوجه شد که نهاد مورد نظرش فقط در شکل و محتوای «مجلس شورای ملی» است که در رویارویی با حکومت دارای جایگاه حقوقی کارآمد و شرایط سیاسی باثبات خواهد شد. ناامیدی او از عین‌الدوله در اصلاح امور، رابطه وی را با دولت قطع کرد و ملیون توانستند موافقت طباطبایی با مشروطه را به دست آورند (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۶: ۵۲۰-۵۲۱؛ دولت آبادی، ۱۳۲۸: ۲/۴۳-۴۴). بنابراین وی در مجلس در موعظه ۱۴ جمادی‌الاولی ۱۳۲۴ ق باصراحت ایجاد «مجلس» را مطالبه کرد (کسروی، ۱۳۱۲: ۹۰) و هم‌زمان طی رقعہ ای به عین‌الدوله با علنی کردن مقصود آخر خود، منظورش از عدالت‌خانه را «تأسیس مجلس ملتی به قدر استعداد مملکت و اقتضای زمان» دانست، نه «دیوان‌خانه عدلیه» که تنظیم امور آن با دولت است و این گونه راه هرگونه مفردی را بر او بست (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۱/۶۱-۶۳). البته توضیح طباطبایی درباره مجلس درخواستی در این نامه لزوماً در معنای مشروطه نبوده است؛ آن‌طور که احتشام‌السلطنه و دولت آبادی در بالا مدعی آ‌نند.

این تغییرات در مواعظ و مواضع علما که در عین حال سخن‌گویان مردم بودند، کمک شایانی در توازن قوا به ملیون کرد که در جدال با دولت قرار داشتند و شعار قانون‌خواهی که تا پیش از این، آن را به بایان و افراد خدانشناس نسبت می دادند (ناظم‌الاسلام کرمانی،

۱۳۵۷: ۲۴۸)، می‌رفت که در بین مردم وجهه‌ای مقبول یابد. در بازه زمانی بین مهاجرت صغری و کبری که نهاد عدالت‌خانه مطرح شد، سران جنبش به‌ویژه طباطبایی با کاربرد مجلس عدلیه، از معنای حداقلی «نمایندگان ملت» شروع کرد (سپهر، ۱۳۶۸: ۳۰۰) و آن را تا معنای حداکثری مشروطه رساند که به محدود کردن قدرت حاکم انجامید. این بسط حوزه معنایی در مفهوم عدالت‌خانه، ابتدا با الصاق مجلس به آن و ایجاد ترکیبی با عنوان «مجلس عدالت‌خانه» که در خواست مردم متجلی شد، اتفاق افتاد (عزیزالسلطان، ۱۳۷۶: ۸۸۶). در مقابل، گفتمان حاکم هنوز غرض از کاربرد عدالت‌خانه را در معنای تقلیل‌یافته آن «دیوان‌خانه عدلیه» ملحوظ می‌داشت.

از نظر گفتمانی این تغییر در مواضع در سایه اختیاری و قراردادی بودن ارتباط میان مفاهیم و نشانه‌ها ممکن می‌شود. لاکلا و موفه<sup>۱</sup> به ثبات رابطه مفهوم و نشانه اعتقادی ندارند و معتقدند روند بالا به جداسازی دال از مدلول منجر می‌شود. این نگرش زمینه را برای ابهام و چندگونگی معنایی در بستر اجتماعی مهیا می‌کند و با ایجاد معانی متعدد و حتی متناقض زمینه برای ایجاد برداشت‌های متفاوت و سوء تفاهم بین گروه‌های جامعه فراهم می‌آید (سلطانی، ۱۳۸۳: ۷۳-۸۳). این مسئله عیناً درباره عدالت‌خانه نیز اتفاق افتاد و در بزنگاه تاریخی، سران جنبش در مشورت با قانون‌گرایان خبره برای محدود کردن قدرت حاکم، تعیین مفهوم عدالت‌خانه را در مجلسی دیدند که ضمن دارا بودن جایگاه قانونی، در اصلاح نظام سیاسی کشور مؤثر باشد (صفایی، ۱۳۵۵: ۱۰۰-۱۰۱؛ رضازاده ملک، ۱۳۵۱: ۳۷)؛ در حالی که در شکل اولیه «مجلس عدالت» طباطبایی، نمایندگان ملت می‌بایست بر بنیان گفتمان سنتی، تحت حاکمیت شاه فعالیت می‌کردند که این به معنای حاکمیت ملت بر سرنوشت خود نبود. از این‌رو مجلس یادشده فاقد رویکرد بنیادی برای محدود کردن سلطنت مطلقه بود. بدین ترتیب محور اصلی ایده طباطبایی همچنان در «شاه» خلاصه می‌شد نه «قانون».

با پناه بردن انبوه جمعیت شورشی و تجار معترض به سفارت انگلیس دست سرکوبگر دولت از تعرض به آنان کوتاه شد. این مهم سبب شد در فقدان علمای برجسته جنبش،



رهبری مردم به دست آزادی خواهان آشنا با قانون بیفتد که در میان آن‌ها افراد دانشمند، فاضل و خطیب آگاه کم نبود (آدمیت، ۱۳۵۵: ۱۶۹؛ رضازاده ملک، ۱۳۵۱: ۳۷). در چنین وضعی آن‌ها با آزادی هرچه تمام، اهالی بازار، از تجار و اصناف تا توده‌های مردم حاضر در سفارت را با رویکرد گفتمان خود آشنا و بدان متمایل می‌کردند و مردم هم با ایشان همراه می‌شدند. این گونه بود که فضای گفتمانی حاکم بر سفارت‌خانه بر مدار «قانون‌خواهی» و «مشروطه» در سیطره گفتمان ملیون قرار گرفت (هدایت، ۱۳۶۳: ۲۶). بنابراین خواسته عدالت‌خانه که براساس آرمان مردم ایران جنبش عدالت‌خواهی را بیش از هفت ماه شعله‌ور نگه داشت، با رسیدن به در سفارت‌خانه انگلیس و مساعد بودن فضای گفتمانی برای «امنیت در بیان» و «امکان اشاعه»، هم‌سو با ملیون آزادی‌خواه تبدیل به مشروطه شد (صفایی، ۱۳۵۵: ۵۰)؛ ضمن اینکه جمعیت متحصن در سفارت انگلیس تحت تأثیر مخالفان استبداد بر محدود شدن شاه و هیئت وزرا در قانون اصرار داشتند و «مجلس شورای ملی» را، به‌عنوان مابه‌ازای خارجی مفهوم عدالت‌خانه، خواستار بودند (همان، ۶۸-۹۳، ۱۲۱-۱۲۳، ۱۴۰). روزنامه *حبل‌المتین* هفت ماه پس از تأسیس مجلس در مقاله‌ای تحلیلی مراحل جنبش مردمی را برای ایجاد مجلس شورای ملی در سه گام نشان داده است: ابتدا، تقاضای استقرار «مجلس عدالت» که عین‌الدوله در اجرای حکم شاه درباره آن مسامحه و ضدیت کرد؛ سران جنبش در ادامه مبارزه و گام بعدی «دارالشورای ملی و مجلس مبعوثان» را خواستار بودند که باز از سوی دولت با آن مخالفت شد و در گام سوم، تصریح به مشروطیت و کنستیتوسیون شد و نظام‌نامه اساس را تکمیل کردند (*حبل‌المتین*، ۱۳۲۵: ۵۱). در این وضعیت واژه عدالت‌خانه و مفاهیم سنتی مندرج در آن در مقابل انتظارات حداکثری متحصنان که با رویکردی متفاوت از سنت از جانب ملیون ایجاد شد، تقاضای «مجلسی برای وضع قانون» کرد. از این‌رو، لفظ عدالت‌خانه در برابر چنین تغییری بنیادی در مفهوم تاب‌نیاب و پوست‌انداخت و یک‌باره کاربرد عدالت‌خانه از محاوره مردم حذف و در نماد جدید «مجلس شورای ملی» متجلی شد.

## ۹. نتیجه

در این پژوهش برای فهم اغراض مردم در جنبش عدالت‌خواهی از مجموعه مشارکت کنندگان، دو مفهوم تاریخی «معترضان» با تکیه بر انگاره‌های ذهنی جامعه و «مخالفان» به‌عنوان ملیون با افکار جدید از هم تفکیک شد. درخواست مردم معترض در ۱۴ شوال ۱۳۲۳ق بر بنیان سنت جاری عدلیه صحیح بود که در واژه عدالت‌خانه نمود یافت. در این میان، خواص جامعه اصلاح کشور را با تغییر در نظام اجرایی-قضایی محقق می‌دانست؛ اما برخی ملیون تحقق این مهم را با مجلس مشروطه و راهبرد سیاسی میسر می‌دیدند. در لابه‌لای داده‌های تاریخی وقایع جنبش، سه مؤلفه بر مفهوم عدالت‌خانه تأثیر گذاشت:

۱. نظام‌های معرفتی حاصل از ایدئولوژی گفتمان‌های موجود در این دوره؛
  ۲. بافت موقعیتی یا محیط فرهنگی، ارزش‌های مسلط و جو حاکم بر جامعه و تنگناهای حاصل از آن.
  ۳. الگوهای معمول دیوانی-قضایی موجود در نظام دیوان‌سالاری ایران.
- به باور نگارندگان با عنایت به مطالب پیشین درباره تحول مفهوم عدالت‌خانه باید به موارد زیر توجه داشت:

۱. نهاد عدالت‌خانه ارزش حقوقی و قضایی داشت و ناظر بر یک نهاد وضع «قانون عدل» و دو نهاد «محاکم عدلیه» و «دیوان اعلی» در پایتخت بود.
۲. استفاده ابزاری حکومت از باور علمای سنت گرامینی بر بی‌دینی قانون‌گرایان و استقبال نکردن عامه از «مجلس مشروطه» به دلیل نداشتن دریافتی از آن باعث می‌شد ملیون خواست خود را واضح و علنی نکنند؛ بلکه آن را با کاربرد «مجلس» و «عدالت‌خانه» به صورت مبهم به کار برند.
۳. ملیون در مجامع سرّی خود قبل از جنبش عدالت‌خواهی از لفظ مجلس، به‌عنوان نهادی که در آن به امور مختلف کشور رسیدگی کند، یاد می‌کردند.
۴. تقاضای بست نشینان در عبدالعظیم صرفاً مطالبه «دیوان عدالت» و متمرکز بر واژه «عدالت‌خانه» نبود؛ بلکه خواسته ملیون «مبعوثان ملت و مشورت‌خانه»

ملی» هم بود. طباطبایی نیز «مجلس عدالتی» را مطالبه کرد که در آن نمایندگان اصناف مردم حضور می‌یافت و بر کار دولت نظارت می‌کرد.

۵. خواست همگانی در تأسیس مجلس در سفارت با تلاش ملیون، بی‌اعتبار شدن صدراعظم و حمایت شاه از این خواست، واژه عدالت‌خانه را از انتفاع کاربرد انداخت و «مجلس شورای ملی» با جایگاه حقوقی و ارزش سیاسی را مطالبه کرد و کاربرد عدالت‌خانه از نو بعدی قضایی یافت.

## منابع

- آجودانی، ماشاءالله (۱۳۸۷). *مشروطه ایرانی*. تهران: اختران.
- آدمیت، فریدون (۱۳۴۰). *فکر آزادی و مقدمه مشروطیت*. تهران: خوارزمی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۵۱). *اندیشه ترقی و حکومت قانون*. تهران: خوارزمی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۵۵). *ایدئولوژی نهضت مشروطیت*. تهران: پیام.
- احتشام‌السلطنه، مهدی (۱۳۶۶). *خاطرات احتشام‌السلطنه*. به کوشش سیدمحمد مهدی موسوی. تهران: زوار.
- *اختر* (۱۲۹۴ق). س ۳. ش ۱۶.
- ادیب، غلام‌حسین (۱۳۶۱). *افضل التواریخ*. به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان. تهران: نشر تاریخ ایران.
- اشرف، احمد (۱۳۹۰). «از عدالت‌خانه تا مجلس شورای ملی در انقلاب مشروطیت ایران». *بخارا*. س ۱۴. ش ۸۱. صص ۳۳۷-۳۴۷.
- امانت، عباس (۱۳۸۲). *انقلاب مشروطیت ایران* (مجموعه مقالات). ترجمه پیمان متین. تهران: امیرکبیر.
- *انجمن تبریز* (۱۳۲۴ق). س ۱. ش ۱.
- تفرشی حسینی، سیداحمد (۱۳۵۱). *روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران*. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.

- **حبل‌المتین** (۱۳۱۴). ش ۱۲، ۱۳، ۱۹.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۱۵). ش ۲۴.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۱۶). ش ۶ و ۱۵.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۱۷). ش ۱.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۲۵). ش ۱۳.
- حضرتی، حسن (۱۳۸۷). **مشروطه ایران و عثمانی**. با همکاری علیرضا ملایی. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۲۸). **حیات یحیی**. تهران: آثار جاویدان و شرکت نسبی اقبال.
- رضازاده ملک، رحیم (۱۳۵۱). **چکیده انقلاب حیدرخان عمواعلی**. تهران: روزبه.
- زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۸۷). **رسائل مشروطیت**. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- ساکت، محمدحسین (۱۳۶۵). **نهاد دادرسی در اسلام**. مشهد: آستان قدس.
- سپهر، عبدالحسین (۱۳۶۸). **مرآة‌الوقایع مظفری و یادداشت ملک‌المورخین**. به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: زرین.
- سلطانی، سیدعلی‌اصغر (۱۳۸۳). «تحلیل‌گفتمان به‌مثابه نظریه و روش». **فصلنامه علوم سیاسی**. س ۷. ش ۲۸. صص ۱۵۳-۱۸۰.
- شریف‌کاشانی، محمد مهدی (۱۳۶۲). **واقعات اتفاقیه در روزگار**. به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان. تهران: تاریخ ایران.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۵۵). **اسناد مشروطه**. تهران: بابک.
- طباطبایی، سیدمحمد (۱۳۸۴). **یادداشت‌های سیدمحمد طباطبایی**. به کوشش حسن طباطبایی. تهران: آبی.
- عزیزالسلطان، غلام‌علی (۱۳۷۶). **روزنامه خاطرات عزیزالسلطان**. به کوشش محسن میرزایی، تهران: زریاب.

- فر کلاف، نورمن (۱۳۷۹). **تحلیل انتقادی گفتمان**. گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- فلاح توتکار، حجت (۱۳۸۸). «عدالت‌خانه دولتی». **فصلنامه تاریخ ایران و اسلام**. س ۱۹. دوره جدید. ش ۱ (پیاپی ۷۵). صص ۱۰۷-۱۲۰.
- کسرابی، محمدسالار و علی پوزش شیرازی (۱۳۸۸). «نظریه گفتمان لاکلا و موفه». **فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی**. دوره ۳۹. ش ۳. صص ۳۳۹-۳۶۱.
- کسروی، احمد (۱۳۱۲). **تاریخ مشروطه ایران**. تهران: امیرکبیر.
- محیط‌مافی، هاشم (۱۳۶۳). **مقدمت مشروطیت**. به کوشش مجید تفرشی و جواد جان‌فدا. تهران: فردوسی.
- مغیث‌السلطنه، یوسف (۱۳۶۲). **نامه‌های یوسف مغیث‌السلطنه**. به کوشش معصومه مافی. تهران: تاریخ ایران.
- ملایی‌توانی، علیرضا (۱۳۹۱). «ملاحظات در مفهوم عدالت‌خانه». **پژوهش‌های تاریخی**. دانشگاه اصفهان. دوره جدید. س ۱۴. ش ۱ (پیاپی ۷۵). صص ۱۱۳-۱۳۰.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۸۳). **تاریخ انقلاب مشروطیت ایران**. تهران: سخن.
- ناظم‌الاسلام کرمانی. محمدبن علی (۱۳۵۷)، **تاریخ بیداری ایرانیان**. به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- واندایک، تئون‌ای (۱۳۸۹). **مطالعاتی در تحلیل گفتمان**. گروه مترجمان. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- هدایت، مهدی‌قلی‌خان (۱۳۶۳). **طلوع مشروطیت**. به کوشش امیراسماعیلی. تهران: جام.
- یورگسن، ماریان و لوئیز فیلیس (۱۳۸۹)، **تحلیل گفتمان در نظریه و روش**. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.